

عباس عطار عکاسی جهانی بود

محسن شاندیز، یکی از عکاسان شناخته شده و پیشکسوتی است که درباره عطار می‌گوید: «بهترین جمله‌ای را که می‌توانم درباره او بگویم این است که عطار به واسطه مولفه‌هایی که داشت، توانست به عکاسی جهانی تبدیل شود. او عکاسی را از سنین کم‌وبه‌طور مشخص

از زمانی که ۱۴، ۱۵ ساله بود، شروع کرد و در این سال‌ها همواره تلاش کرد عکاسی متفاوت باشد و به‌نظم در این مسیر موفق هم شد. اساسا نوع فعالیت او از دیرباز تا امروز به‌گونه‌ای بود که آثارش فقط به مرزهای جغرافیایی وطنش محدود نماند و توانست عکس‌هایی را که از وقایع و اتفاقات مختلف ثبت می‌کرد، در معرض دید مخاطبان سراسر دنیا بگذارد. از این رو پیش از هرچیز باید او را هنرمندی قلمداد کرد که درعین ثبت وقایع پیرامون خود توانست عکاسی جهانی شود.»

همکاری با آژانس «مگنوم» از سال ۱۹۸۱

شاندیز اضافه می‌کند: «عباس عطار پیش از انقلاب هم، وقایع و رخداد‌های برخی برهه‌های سیاسی- اجتماعی کشور را در قالب عکس‌هایش ثبت کرد و پس از انقلاب نیز این رویه را در کار خود ادامه داد. همین مساله موجب شد او به‌عنوان عکاسی تاثیرگذار با دیدگاهی منحصربه‌فرد شناخته شود. عطار از سال ۱۹۸۱ به آژانس عکس مگنوم پیوست و به نوعی می‌توان او را در ردیف پایه‌گذاران این آژانس قلمداد کرد. طبعاً اینکه آدم ببیند یکی از هموطنان و همکاری‌اش توانسته در قله‌های عکاسی جهان بایستد و به درخشش و شهرت دست یابد باعث افتخار است.»

عطار در عکاسی به امضای شخصی رسید

این عکاس پیشکسوت دفاع مقدس با اشاره به اینکه عباس عطار یکی از بی‌حاشیه‌ترین عکاسان معاصر بود و خط‌مشی خود را در حیطه کاری‌اش دنبال می‌کرد، می‌گوید: «هر هنرمندی در هر شاخه‌ای که فعالیت می‌کند تمایل دارد، روزی به سبک و سیاق شخصی خود دست یابد؛ درباره عطار این اتفاق افتاد و عکس‌هایی که امروز از او به یادگار مانده نشان‌گر آن است که او توانسته امضای شخصی خود را حین ثبت یک عکس داشته باشد و اثری ارائه دهد که به لحاظ زاویه‌دید، درنمایه و ساختار دارای وجه‌افتراق زیادی با باقی عکاسان هم‌صنف خود باشد.»

عباس عطار عاشق مطلق عکاسی نام گرفته شده است

علیرضا کریمی صارمی هنرمندعکاس نیز درباره مولفه‌های کاری عباس عطار می‌گوید: «عطار بی‌تردید یکی از عاشقان مطلق به عکاسی قلمداد می‌شود. با توجه به پیشینه فعالیت او در سال‌های قبل و بعد از انقلاب به‌خوبی می‌توان این نکته را دریافت که عطار در زمره عکاسان ایرانی است که عکس‌هایش بخش اعظمی از تاریخ کشور ما را ثبت کرده است. خاطرم هست چند سال پیش مستندی دیدم که عطار در کنار عکاسان بزرگ دیگری چون بهمن جلالی و...و نظرات تاثیرگذار و عمیقی درباره جایگاه فتوژورالیسم ارائه کرده بودند. آنچه برایم در این مستند جالب بود اینکه عطار، دانش، شناخت، اشراف به روانشناسی، جامعه‌شناسی و... را از اصلی‌ترین مولفه‌های یک عکاس خبری می‌دانست و به این مساله اشاره می‌کرد که اگر فردی می‌خواهد در مسیر عکاسی خبری موفق و تاثیرگذار باشد ضرورت دارد نسبت به این حیطه شناخت کافی داشته باشد. وجه دیگر شخصیت عباس عطار، بعد آموزشی آن است. او علاوه‌بر اینکه عکاس خوبی بود معلم مسلط و پردانشی نیز بود و به جرات می‌توان گفت به واسطه ابعاد تعلیم و تربیتی‌ای که داشت سبب شد شاگردان زیادی را پرورش دهد.»

برخورد کارمندی با عکاسی خبری بزرگ‌ترین آسیب این حیطه است

کریمی صارمی که در سال‌های اخیر ریاست آژانس عکس ایران را به‌عهده داشته



جاسم عطارپور



امیرعلی جوادیان



علیرضا کریمی صارمی



محسن شاندیز

عکاسان پیشکسوت درباره مولفه‌های عکاسی عباس عطار می‌گویند

خالق عکس‌های غیر کلیشه‌ای

عباس عطار به وسیله دوربین برگ‌هایی از تاریخ معاصر را ثبت کرد



روزنامه‌نگار

در پاسخ به این سوال که در حال حاضر وضعیت عکاسی خبری را در مطبوعات امروز چطور ارزیابی می‌کنند، می‌گوید: «همیشه براین باور بوده‌ام که دو تفاوت عمده میان عکسبرداری و عکاسی وجود دارد و نباید این دو حیطه را با یکدیگر اشتباه گرفت. عکسبرداری فقط مختص کسی است که تصادفا در مواجهه با یک رویداد کلیک می‌کند و عکسی می‌گیرد، در حالی که عکاسی به این معنی است که یک فرد صاحب‌اندیشه است و براساس زاویه‌دیدي که دارد تلاش می‌کند رویداد مورد نظر را ثبت کند؛ زاویه‌دیدي که همان‌طور که اشاره کردم پشتوانه جامعه‌شناسی و روانشناسی نیز دارد. به نظر می‌رسد این مساله‌ای است که باید در زمینه عکاسی خبری امروز جدی گرفته شود، ولی متأسفانه در شرایط کنونی کمتر به عکاس خبری‌ای برمی‌خوریم که دارای چنین مولفه‌هایی باشد؛ بلکه می‌بینیم اغلب عکاسان خبری، جز مواردی استثنا، با شغل خود برخورد کارمندی دارند و این یک آسیب بزرگ به شمار می‌رود.»

برخی عکاسان خبری رسالت سنگین و دقیق خود را جدی نمی‌گیرند

او ادامه می‌دهد: «خاطرم هست، زمانی بود که ما به مدیران نشریات انتقاد می‌کردیم که چرا حیطه عکاسی خبری را جدی نمی‌گیرند؟ ولی امروز می‌بینیم باید بخش زیادی از این انتقاد را به سمت عکاسان این حوزه نشانه بگیریم و از آنها بپرسیم چرا رسالت مقدس و حساس و دقیق خود را آن‌طور که باید جدی نمی‌گیرند؟»

هر عکاسی که در «مگنوم» کار کند لزوماً عکاس خوب نیست

از جاسم غضبان پور درباره روند فعالیت‌های



عباس عطار بعد از عکاسی از وقایع انقلاب اسلامی ایران. او ۱۷ سال در کشورهای مختلف از مکزیک تا ویتنام، ایرلند شمالی، کوبا، آفریقای شمالی و خاورمیانه عکاسی کرد. عطار طی زندگی حرفه‌ای خود چند بار به ویتنام سفر و مجموعه عکسی را به نام «به سار در ویتنام» منتشر کرد.

عطار در آژانس عکس «مگنوم» سوال می‌کنم. او در این باره هم توضیح می‌دهد: «خاطرم هست، یک بار در ملاقاتی که با زنده‌یاد عطار داشتم، به این مساله اشاره می‌کرد که برخلاف دیدگاه برخی، هر عکاسی که وارد آژانس «مگنوم» بشود، لزوماً بهترین عکاس نیست. او به این مساله اشاره می‌کرد که هر عکاسی که تمایل دارد به این آژانس وارد شود باید به برقراری برخی ارتباطات نیز اشراف داشته باشد. کما اینکه اگر عکاسی بخواهد به جمع عکاسان این آژانس اضافه شود باید اکثریت عکاسان به او رای بدهند و او برای این کار باید به جلب‌نظر و رای عکاسان بپردازد. امروز عکاسان بزرگی در دنیا هستند که فعالیت می‌کنند، ولی عضو آژانس «مگنوم» نیستند، درحالی که کار کردن در آژانس عکس «مگنوم» منتهای آرزوی هر عکاسی به شمار می‌رود. اما این آژانس به سختی عضو می‌پذیرد.»

عکاسی که دوست نداشت از او عکس بگیرند غضبان پور در میانه گفت‌وگو به نکته جالب توجهی درباره عباس عطار اشاره می‌کند؛ نکته‌ای که سوال برانگیز است و چرایی‌اش تا پایان گفت‌وگو با ما همراه است. او می‌گوید: «عباس عطار هیچ وقت دوست نداشت از او عکس بگیرند و این برای خودم هم تعجب‌آور بود؛ عکاسی که در طول سال‌ها فعالیت مستمر، عکس‌های زیادی از وقایع و شخصیت‌های سیاسی- اجتماعی سرشناس گرفته بود، هیچ‌وقت تمایل به عکس گرفتن از خودش نداشت. حتی اگر به همان تعداد عکس‌هایی که امروز از عباس باقی مانده نظر کنیم، می‌بینیم در اکثر عکس‌ها، همین که متوجه‌می‌شود دارند از عباس عکس می‌گیرند، یا دوربین را به صورت خود نزدیک می‌کرده یا دستمالی مقابل صورتش می‌گرفته یا...»

عکاسی که دوست نداشت از او عکس بگیرند غضبان پور در میانه گفت‌وگو به نکته جالب توجهی درباره عباس عطار اشاره می‌کند؛ نکته‌ای که سوال برانگیز است و چرایی‌اش تا پایان گفت‌وگو با ما همراه است. او می‌گوید: «عباس عطار هیچ وقت دوست نداشت از او عکس بگیرند و این برای خودم هم تعجب‌آور بود؛ عکاسی که در طول سال‌ها فعالیت مستمر، عکس‌های زیادی از وقایع و شخصیت‌های سیاسی- اجتماعی سرشناس گرفته بود، هیچ‌وقت تمایل به عکس گرفتن از خودش نداشت. حتی اگر به همان تعداد عکس‌هایی که امروز از عباس باقی مانده نظر کنیم، می‌بینیم در اکثر عکس‌ها، همین که متوجه‌می‌شود دارند از عباس عکس می‌گیرند، یا دوربین را به صورت خود نزدیک می‌کرده یا دستمالی مقابل صورتش می‌گرفته یا...»

عباس عطار برای برگشت به وطنش با درخواست پول مواجه شد

این عکاس پیشکسوت جنگ ادامه می‌دهد: «درباره عباس عطار نیز امروز همین اتفاق افتاده است. همین که دیگر دستش از دنیا کوتاه شده، مطبوعات به یاد او افتاده‌اند. درحالی که خاطرم هست هفت ماه پیش که با او رویه‌رو شدم، اشتیاق زیادی داشت که به ایران بیاید و ادامه فعالیت خود را در کشورش از سر بگیرد. حتی به این مساله اشاره کرد که وقتی درخواست کرده به ایران برگردد، کسانی در مقابل این درخواست، از او طلب پول کرده‌اند یا موانع دیگری را



از مشهورترین عکس‌های عباس عطار، عکس‌های مربوط به پایین کشیدن مجسمه رضا و محمدرضا پهلوی از روی پایه‌های بتنی در تهران است. عطار در سال ۱۳۷۵ به ایران آمد و تلاش کرد عکس‌های خود را از سقوط مجسمه‌های خانواده پهلوی کامل کند.



شهرت این عکس در سال‌های اخیر بیشتر به خاطر سانسوری بود که دو سال پیش روزنامه «شرق» انجام داد. روزنامه «شرق» با دستکاری عکس معروف آیت‌ا... طالقانی، سیگار را از دست او حذف کرد که با واکنش‌های متفاوتی در فضای رسانه‌ای مواجه شد.

سر راهش گذاشته‌اند تا نتواند وارد کشور شود. طبعاً برخورد‌هایی از این دست با هنرمندان، خاصه هنرمندان تاثیرگذار و حرفه‌ای نازحت‌کننده است و موجب رنجش می‌شود.»

عباس عطار تاریخ‌نگاری برجسته بود

امیرعلی جوادیان، هنرمند عکاس و استاد دانشگاه آزاد اسلامی هم از دیگر افرادی است که درباره عباس عطار بیان می‌کند: «عکس‌هایی که عطار در مقاطع مختلف زمانی گرفته، امروز جزئی از تاریخ این مرز و بوم به شمار می‌رود. به همین خاطر است که او را می‌توان تاریخ‌نگار معاصر دانست. اگرچه رسالت دیگر عکاسانی که در این وادی فعالیت می‌کنند هم شاید تاریخ‌نگاری باشد، ولی در مورد عطار مولفه‌هایی وجود داشت که نوع عکاسی، بینش او به سوژه‌ها و وقایع اجتماعی سیاسی را متفاوت‌تر از سایرین قلمداد می‌کرد.»

عطار هیچ‌وقت مجیز کسی را نگفت

جوادیان با اشاره به مساله مهاجرت عطار در سال‌های گذشته نیز اضافه می‌کند: «از آنجایی که دارای خلق و خوی و روحیه خاص خود بود، نتوانست با سیستم اداری داخل ایران چفت شود. به همین دلیل ناچار شد تن به مهاجرت بدهد. شاید به این خاطر که در سیستم دولتی، اغلب مدیران تمایل دارند از آنها تعریف و تمجید شود تا اینکه نسبت به عملکردشان انتقاد صورت بگیرد. اما عطار آدمی نبود که بخواهد مجیز کسی را بگوید. کما اینکه اصلی‌ترین خصیصه عکس و عکاسی این است که فرد، کژی‌ها، مشکلات و معضلات جامعه را در قالب عکس‌هایش بازتاب بدهد.»

خواسته یا ناخواسته زمینه‌برای مهاجرت چهره‌های مستعد فراهم می‌شود

این استاد دانشگاه آزاد اسلامی ادامه می‌دهد: «این مساله درحالی اتفاق می‌افتد که مدیران و دست‌اندرکاران اصلی هر کشور باید پیش از آنکه زمینه را خواسته یا ناخواسته برای مهاجرت نیروی انسانی مستعد و زنده فراهم کنند، آنها را جذب کنند تا هنرمندان فعالیت و انرژی‌ای را که در اختیار دارند صرف میهن خود کنند. در این میان، من امیرکبیر را مثال می‌زنم. امیرکبیر از در زمانی زندگی می‌کرد که کسی چون ناصرالدین شاه بر صدر نشسته بود. دیدگاه این دو شخصیت تاریخی زمین تا آسمان با یکدیگر تفاوت داشت، ولی امیرکبیر از آنجایی که در اندیشه آبادانی و نگهداری مملکت خویش بود تعامل را پیشه کرد. درحالی که اگر تعامل نمی‌کرد، هیچ‌گاه دارالفنون تأسیس نمی‌شد. امروز با تحقیق و پژوهش می‌توانیم به این مساله دست یابیم که اگر تعاملات امیرکبیر در آن زمان با فردی چون ناصرالدین شاه نبود، هرگز دارالفنون، که امروز از آن به‌عنوان مرکز ثقل ورود ایرانیانی یاد می‌شود که تمایل به تحصیلات آکادمیک و علم‌اندوزی در صنعت و هنر و سایر شاخه‌ها داشته‌اند، تأسیس نمی‌شد.»

بگذاریم هنرمندان باتجربه و کارآمد در داخل کشور مفید باشند

این عکاس پیشکسوت ادامه می‌دهد: «او در زمره معدود عکاسانی قرار داشت که اگر شرایط مهیا بود می‌توانست دانش، تجربه و اندوخته‌های خود را در داخل کشور و به نسل جوانی انتقال بدهد که تشنه دریافت چنین اطلاعاتی بودند. به همین خاطر است که تصور می‌کنم ای کاش در سیستم مدیریتی کنونی، دیدگاه‌ها تغییر کند و دست‌اندرکاران در این حیطه به جای آنکه خواسته یا ناخواسته موجب کوچ اجباری هنرمندان شوند، این سرمایه‌های تکرارنشدنی را به‌عنوان پتانسیلی گسترده و معدن ارزشمند قابل استخراج در همین کشور نگه دارند. تردیدی نیست که یک هنرمند با حضور در وطن خودش است که می‌تواند عملکرد مفید و آثار مثرم‌تری ارائه بدهد.»

نگاهی به زندگی و فعالیت عباس عطار معروف به «عباس مگنوم»



اگر در این مرحله نیز دوسوم آرا به دست بیاورند، می‌توانند عضو شوند. در این آژانس، بعضی از عکاسان کارهای

شده و اگر رای نیاورد از این چرخه خارج می‌شود. سپس این اعضای نامزد دوباره نمونه عکس‌های خود ارائه‌می‌کنند و

این هنرمند حیطه عکاسی در سال ۱۳۸۵ که در ایران در نشست نمایش نخستین فیلم‌ماه عکاسی ایران برگزار شده بود درباره عضویت خود در آژانس عکس مگنوم گفته بود: «عکاسان می‌توانند نمونه عکس‌های خود را به فاطر مگنوم در پاریس لندن، توکیو و نیویورک بفرستند، دفترها آنها را جمع‌آوری می‌کنند و اگر عکس‌های آنها بتوانند ۵۱درصد آرای اعضا را به‌خود جذب کنند، آن عکاس عضو می‌شود. عکاسی در سال اول فقط به‌صورت آزمایشی است و در آژانس مگنوم ماقطاً با اوآشنایی شویم، اما ضروری است در مدت دوسال، دوسوم رای اعضا را به‌دست بیاورد و بعد از آن کاندیدا شده و اگر رای نیاورد از این چرخه خارج می‌شود. سپس این

اخبار و گزارش‌هایی درباره عباس عطار، عکاس پیشکسوت

